

جایگاه و چالش‌های ایران در حمایت بین‌المللی از حقوق مالکیت آثار

ادبی و هنری

محمود عباسی^۱

محمد معین اسلام^۲

فروزان اکرمی^۳

چکیده

یکی از مشکلات عمده پدیدآورندگان آثار ادبی، علمی، هنری و فرهنگی در کشور عدم رعایت قواعد اخلاقی و قوانین مربوط به حمایت از حقوق مؤلف است که با حقوق جامعه نیز در ارتباط می‌باشد. با توجه به تغییرات و پیشرفت‌های رخ داده در روند تولید و نشر آثار در سال‌های اخیر، مطالعه حاضر ضمن تشریح فضای جهانی حق مؤلف، به بررسی وضعیت کنونی کشور در حمایت از حقوق اخلاقی و قانونی مؤلفین در باب مالکیت آثار ادبی و علمی می‌پردازد تا با تحلیل نقاط ضعف و قوت، راهبرد پذیرش سیاست بین‌المللی حمایت از حق مؤلف مشخص گردد.

از نظر بستر و عوامل ساختاری، وضعیت کنونی کشور از نظر عوامل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ساختاری، و قرارگیری آن در دوره پساتحریم نشان‌دهنده آماده‌نبودن بستر لازم برای پذیرش سیاست بین‌المللی حمایت از حق مؤلف و تصویب لایحه آن می‌باشد. از طرفی عوامل مؤثر بر ارتباطات بین‌المللی در زمینه تحقیق و تبادل دانش، و فرایندهای اخلاقی و حقوقی آن، بر لزوم بازنگری قوانین موجود تأکید دارد. برای اتخاذ سیاست

۱. دانشیار، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. پژوهشگر، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری تخصصی پژوهش، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)
Email: froozan_akrami@yahoo.com

حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و پیوستن به معاهده جهانی، مهیامودن تدریجی زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و قانونی ضرورت دارد.

واژگان کلیدی

مالکیت فکری، معاهده بین‌المللی حق مؤلف، آثار ادبی و هنری، حقوق اخلاقی، سیاست عمومی

مقدمه

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات تولیدکنندگان آثار ادبی، علمی، هنری و فرهنگی در کشور، عدم رعایت اخلاق و قوانین مربوط به حمایت از حق مؤلف^۱ است، که برای سال‌های متمادی، در بسیاری از کشورها رعایت می‌شود. پیشرفت بشر بستگی به حفظ ظرفیت او در خلق و ابداع کارهای جدید در حوزه‌های فرهنگ و فناوری دارد. حمایت از مالکیت فکری سبب رشد اقتصادی، کارآفرینی، بهبود کیفیت زندگی و بهره‌مندی از آن می‌گردد. همچنین حمایت قانونی از آثار جدید سبب تشویق تعهد برای تخصیص منابع برای نوآوری‌های بعدی می‌گردد. (وایبو، ۲۰۰۰ م.)

الف - گفتار نخست: معرفی نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری

۱- پیشینه

از سالیان دور موارد متعددی وجود داشته که نشان‌دهنده توجه پیشینیان به مسأله مالکیت فکری است. در اروپا به طور روشن، این بحث در عهد رنسانس و با انقلاب فکری - صنعتی که در آنجا، به خصوص در صنعت چاپ پدید آمد، آغاز شد. نخستین آثار حمایت از نوشته‌ها را باید در امتیازاتی جستجو کرد که حکام و سلاطین اروپایی در قرن ۱۶ به ناشران و کتاب‌فروشان اهدا می‌کردند که باعث می‌شد، ناشران و چاپخانه‌داران این احکام را وسیله‌ای برای دست‌اندازی به حقوق مؤلفین قرار دهند. این وضع طی دو قرن در اروپا ادامه یافت تا این‌که برای نخستین بار در سال ۱۷۰۹ در انگلیس قانونی به تصویب ملکه رسید که حقوقی را برای مؤلفین اثر به رسمیت می‌شناخت. در اوایل قرن ۱۸ در فرانسه نیز قانونی به همین مضمون به تصویب رسید و کم‌کم بسیاری از کشورهای دیگر در اروپا، آمریکای لاتین و آسیا اقدام به وضع چنین قوانینی کردند. در اواخر قرن ۱۹ با

گسترش ارتباطات و پیشرفت علوم نجومی، موافقت‌نامه‌های چندجانبه و بین‌المللی در این زمینه فراهم شد تا این که در سال ۱۸۸۳ به تشکیل کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی انجامید و در سال ۱۸۸۶ به تشکیل کنوانسیون برن در زمینه حقوق مؤلفین آثار ادبی، هنری و علمی منتهی شد. بدین‌سان بود که با ادغام دفاتر این دو کنوانسیون بین‌المللی در سال ۱۸۹۳، نخستین سنگ بنای سازمان جهانی مالکیت فکری گذاشته شد. (وایبو، ۲۰۱۱ م.)

مالکیت فکری یا معنوی که مشتمل بر مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی، هنری و حقوق مرتبط است به اندازه‌ای حائز اهمیت است که تمام ملل دنیا علاوه بر قوانین داخلی خود برای حمایت از آن در سطح بین‌المللی قراردادهای متعددی را امضا کرده و به مرحله اجرا درآورده‌اند. با توجه به تغییرات و پیشرفت‌های رخ داده در کشور در روند تولید و نشر آثار در سال‌های اخیر، در این مقاله ضمن آشنایی مخاطبین با محیط بین‌المللی حقوق مالکیت ادبی و هنری، چالش‌های کنونی کشور در حوزه مالکیت آثار ادبی و علمی، بر اساس اسناد موجود مورد بحث قرار گرفته و پیشنهادات عملی برای ارتقای آن ارائه می‌گردد.

۲- تعاریف و مفاهیم

مالکیت فکری حقوقی است که مطابق با قانون برای دارنده یک اثر ادبی یا هنری شناخته می‌شود و از طریق اعطای حقوق معنوی و مادی به وی اجازه می‌دهد تا تکثیر و یا عرضه اثر خود را کنترل نموده و استفاده یا بهره‌برداری از اثرش را توسط دیگران محدود کرده یا مطابق قرارداد مجاز نماید. حق مؤلف از یکسو، بازتاب شخصیت دارنده آن است و از سوی دیگر، دارنده‌اش حق مالی را دارد که می‌تواند از سود مادی آن بهره‌گیرد. (رهبری، ۱۳۹۲ ش.) بدین گونه سرشت حقوق فکری که در این مطالعه از آن به عنوان حق مؤلف یاد می‌شود، حقوق

معنوی یا به عبارتی اخلاقی است. مطابق با تعریف ارائه‌شده توسط سازمان جهانی مالکیت فکری، مالکیت فکری به خلاقیت‌های فکری شامل اختراعات، آثار هنری و ادبی، نشان‌ها، اسامی و طرح‌های مورد استفاده در تجارت تعلق می‌گیرد. (بوکافسکو، ۲۰۱۶ م؛ وایپو، ۲۰۱۱ م.)

حقوق مالکیت فکری در ماده ۲۷ بیانیه جهانی حقوق بشر مطرح گردیده و در آن بر حق بهره‌مندی از حمایت اخلاقی و مادی منتج از تألیف آثار علمی، ادبی یا محصولات هنری تأکید شده است. حقوق مالکیت ادبی و هنری شامل آثار ادبی (مانند کتاب، داستان، شعر و نمایش)، فیلم، موسیقی، آثار هنری (مانند نقاشی و مجسمه)، طرح‌های معماری، آثار مبتنی بر فناوری مانند برنامه‌های رایانه‌ای و داده‌های پایگاه‌های الکترونیکی می‌گردد.

داده‌های حاصل از تحقیق که به آن حق مؤلف تعلق می‌گیرد عبارت از جداول، مجموعه داده‌ها، پایگاه داده‌ها و مجموعه آثار چندرسانه‌ای (فایل‌های صوتی و یا تصویری) می‌باشند. برای نمونه، قانون حق مؤلف استرالیا داده‌های پژوهش که به شکل آثاری مانند کتاب، مقاله و گزارش تألیف می‌گردد را دربر می‌گیرد. اکثر قوانین، حقوق صاحب اثر یا مؤلف را برای منع یا اجازه شامل موارد ذیل بیان نموده‌اند: حق تکثیر نسخ در اشکال مختلف و چاپ آن، توزیع نسخ، حق اجرا، عرضه و خواندن اثر برای عموم، حق ترجمه آن به سایر زبان‌ها، حق پخش اثر از طریق صدا و تصویر، حق ضبط اثر و تهیه فیلم و حق تولید اثر سازگار یا حق تلفیق آن مانند تبدیل یک داستان به فیلم. (وایپو، ۲۰۱۱ م.)

حقوق مربوط به موضوع مالکیت فکری به ویژه در بحث ادبی و هنری که از آن به حق مؤلف تعبیر می‌شود، مشتمل بر دو دسته حقوق است: حقوق اخلاقی و حقوق مادی. در ارتباط با حقوق اخلاقی، کنوانسیون برن ضرورت تضمین حق

ذکر نام یا عنوان مؤلف آن اثر که گاهی از آن به عنوان حق پدری یاد می‌شود را مطرح کرده است و حق جلوگیری از هر گونه تخریب یا تحریف اثر، یا هر گونه عملکرد آسیب‌رسان دیگر به اثر به گونه‌ای که اعتبار یا شهرت مؤلف را خدشه‌دار نماید، به رسمیت شناخته است.

کنوانسیون برن، مدت حق تکثیر را تا ۵۰ سال پس از مرگ پدیدآورنده اثر ذکر نموده است. هدف از این قانون بهره‌برداری اقتصادی وارثین مؤلف از اثر، پس از مرگ وی می‌باشد. در ایران مهم‌ترین حقوق مادی ناشی از آثار فکری حق نشر و تکثیر می‌باشد. (خبرگزاری آنا، ۱۳۹۴ ش.)

در کنار کنوانسیون برن، معاهده حق مؤلف سازمان جهانی مالکیت فکری وجود دارد. این معاهده در سال ۱۹۹۶ میلادی به تصویب رسیده است. بر اساس این معاهده، کشورها باید به موجب قوانین و مقررات حق مؤلف گردآوری داده‌ها و یا بانک داده‌ها به هر شکل که به دلیل انتخاب یا ترتیب محتوای آن‌ها آفرینش‌های فکری محسوب می‌شوند و همچنین برنامه‌های رایانه‌ای را بدون توجه به رسانه، روش یا شکل نمود آنها مورد حمایت قرار دهند.

این معاهده در رابطه با حقوق پدیدآورندگان، سه نوع حق را مورد شناسایی قرار می‌دهد: اول، حق توزیع است که به موجب آن حق صدور مجوز، در دسترس عموم قراردادن نسخ یک اثر، از طریق فروش یا سایر صور انتقال در اختیار پدیدآورندگان قرار می‌گیرد. دومین حق مالکیت، حق اجازه می‌باشد که از طریق آن حق صدور اجازه، اجازه‌دادن نسخ سه نوع اثر به عموم (برنامه‌های رایانه‌ای، آثار سینمایی، آثار گنجانده‌شده و به کاررفته در صفحات صوتی طبق قوانین داخلی کشورها) به پدیدآورندگان اعطا می‌شود. سوم، حق ارسال برای عموم است به این مفهوم که حق صدور اجازه هر نوع ارسال برای عموم، با وسایل با سیم یا بدون

سیم شامل در دسترس عموم قرار دادن آثار به طریقی که عموم بتوانند از مکان و در زمانی که فرد آن‌ها انتخاب می‌کنند، به آن دسترسی داشته باشند، در اختیار پدیدآورندگان است.

معاهده حق مؤلف سازمان جهانی مالکیت فکری، کشورهای عضو را ملزم می‌سازد علیه راه‌های گریز از تدابیر و راهکارهای فناوری مانند رمزگذاری که پدیدآورندگان برای اعمال حقوق خود و برای مقابله با حذف یا تغییر اطلاعات که برای مدیریت حقوق آن‌ها لازم است (شناسنامه اثر)، مانند داده‌های خاصی که برای شناسایی آثار یا پدیدآورندگان آن‌ها به کار می‌روند، ضمانت‌های اجرایی لازم را مقرر نمایند. همچنین این معاهده کشورهای عضو را ملزم می‌سازد، طبق نظام حقوقی خود، برای تضمین اجرای معاهده تدابیر لازم را اتخاذ نمایند. به ویژه هر کشور عضو باید تضمین کند به موجب قوانین داخلی خود، تشریفات اجرایی لازم علیه هر نوع تجاوز به حقوق مقرر در این معاهده را مقرر نماید. این اقدامات باید مجازات‌های مؤثر جهت جلوگیری از تجاوز به حقوق و همچنین مجازات‌هایی برای جلوگیری از تکرار تجاوز به حق را دربر داشته باشند. (وایپو، ۲۰۱۱ م.)

۳- فلسفه اخلاقی حقوق مالکیت ادبی و هنری

گسترش روزافزون دانش بشری و ارتقای فناوری های زیست‌پزشکی با مباحث فراوان و چالش‌برانگیزی به ویژه از حیث مسائل اخلاقی همراه بوده است. به طور کلی دلایل اثبات حق مؤلف را از نظر اخلاقی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: وظیفه‌گرا^۲ و نتیجه‌گرا^۳. (سولیوان، ۲۰۰۱ م.)

دلایل اخلاقی وظیفه‌گرا سعی می‌کنند، حقوق مالکیت ادبی و هنری را به عنوان یک نوع حق یا تکلیف اخلاقی اثبات کنند. در مقابل، نظریات نتیجه‌گرا تلاش می‌کنند تا حمایت از حق مؤلف را بر اساس نتایج آن تأیید یا نقد کنند. از

نمونه‌های این دکترین، نظریاتی هستند که نتیجه مالکیت فکری را خلق آثار ابتکاری و جدید می‌دانند. نظریات نتیجه‌گرا در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری بر این عقیده‌اند که باید قوانینی در جهت ایجاد بهترین نتایج برای جامعه وجود داشته باشد. رایج‌ترین شکل نتیجه‌گرایی، فایده‌گرایی^۴ است که بهترین وضعیت را وضعیتی می‌داند که بیشتر مردم، در حد ممکن بهره‌مند شوند. (بوچامپ و همکاران، ۲۰۱۳ م.)

کشورها عموماً به دو دلیل دارای قوانینی برای حمایت از مالکیت فکری هستند. اول، ایجاد ساز و کار قانونی جهت اعطای حقوق معنوی و اقتصادی به خالقین آثار و دوم ارتقای خلاقیت و نوآوری، انتشار و کاربرد نتایج آن و رقابت منصفانه که سبب توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌گردد. (بنتلی، ۲۰۰۸ م.) بنابراین پیامد اخلاقی حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری، ارتقای خلاقیت و نوآوری، انتشار و کاربرد نتایج آن برای عموم، و رقابت و تجارت منصفانه است که سبب توسعه و رفاه اقتصادی و اجتماعی می‌گردد، البته با توجه به اصل عدالت، از نظر اخلاقی، بایستی هم حق صاحب اثر و هم حق عموم در بهره‌مندی از اثر خلق‌شده^۵ مورد توجه قرار گیرد. (یوان ایدرز، ۲۰۱۲ م.) از این رو حمایت از حق مؤلف با استفاده از آمیزه‌ای از تئوری‌های اخلاقی قابل توجیه است که البته در پذیرش آن باید بستر جامعه شامل ارزش‌های اخلاقی و عرف را نیز در نظر داشت.

ب - گفتار دوم: نظام بین‌المللی حقوق مالکیت ادبی و هنری و جایگاه و

چالش‌های کشور

۱- مقدمه

اگرچه در خصوص مالکیت ادبی و هنری، یک نظام تقاضای ثبت بین‌المللی همانند ثبت اختراع یا علامت تجاری وجود ندارد، اما این موضوع نباید باعث شود

فکر کنیم در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری، هیچ گونه نظم و ساختار جهانی وجود ندارد. موافقت‌نامه در مورد جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (موافقت‌نامه تریپس^۶) اهداف کلیدی این نظام جهان‌شمول را تبیین کرده است. این موافقت‌نامه، بیان می‌دارد که در زمینه حقوق مالکیت فکری، اهداف و مبانی متعارضی مطرح است که برای کارکرد مؤثر و مناسب نظام جهانی مالکیت فکری، باید میان آن‌ها تعادل برقرار نمود. برخلاف اشیای فیزیکی و ملموس که به صورت پستی، هوایی یا آبی از مرزهای جغرافیایی منتقل می‌شوند، عبور دارایی‌های فکری از مرز کشورها، بسیار سهل و ساده صورت می‌گیرد. به عنوان یک دارایی ناملموس، مالکیت فکری می‌تواند از ملتی به ملت دیگر بدون نیاز به بسته‌بندی، حمل و نقل ویژه، منتقل گردد.

این خصیصه سبب شده تا حمایت جهانی از حقوق مالکیت فکری، مورد توجه خاص معاهدات بین‌المللی قرار گیرد. با ظهور فناوری دیجیتال و سامانه‌های ارتباط شبکه‌ای، وصف جهان‌شمول این اقلام، بیشتر شده و امروزه، اصوات، متون و تصاویر، تنها در چند ثانیه مرزها و کشورها را طی می‌کنند. با این حال، ظهور اینترنت، چالش‌ها و سؤالاتی جدی پیرامون کفایت و تناسب قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی با نظام جهان‌شمول مالکیت فکری مطرح کرده است. در این مجال، به این موضوع خواهیم پرداخت که با وجود یک نظام جهانی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری، به علت ماهیت سرزمینی این حقوق، برخی مسائل و چالش‌ها در حقوق بین‌الملل خصوصی و در ارتباط با صلاحیت و حل و فصل اختلاف وجود دارد.

۲- عوامل شکل‌گیری نظام بین‌الملل مالکیت ادبی و هنری

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در شناسایی یک نظم جهانی در مالکیت ادبی و هنری، ماهیت سرزمینی بودن این حقوق است. اصل کلی این است که قوانین هر ملتی در

محدوده سرزمینی آن کشور قابل اعمال است. هر کشوری مستقل از دیگر کشورها تعیین می‌کند که در قلمرو سرزمینی‌اش، چه چیزی در قالب حقوق مالکیت فکری مورد حمایت باشد، چه کسی، تا چه زمانی و چگونه از این حمایت منتفع گردد. (جینبزرگ و همکاران، ۲۰۰۳ م.)

با وجود این که کشورهای مختلف، نظام حقوق مالکیت فکری مخصوص به خود را دارند، اما در عین حال، به لحاظ بین‌المللی یکپارچگی قابل توجهی در حمایت از این حقوق به وجود آورده‌اند. این جهان‌شمولی، در اثر الحاق کشورها به پیمان‌های بین‌المللی حمایت از مالکیت ادبی و هنری به دست آمده است. امضاکنندگان این معاهدات، داوطلبانه به مجموعه‌ای از استانداردهای حداقلی تن داده‌اند. این جهان‌شمولی، به دو صورت تحقق پیدا می‌کند: در نظریه «وحدت و یگانگی نظام حقوقی»^۷، یک موافقت‌نامه بین‌المللی، دارای اثر مستقیم بوده و به صورت خودکار، جزئی از حقوق داخلی می‌شود بدون این که نیاز به قانونگذاری مجلس باشد. در نظریه «دوگانگی یا ثنویت»^۸، یک معاهده بین‌المللی زمانی جزئی از حقوق داخلی می‌شود که توسط قانونگذار ملی به تصویب برسد (مثل نظام حقوقی ایران). موافقت‌نامه‌های مختلف حقوق مالکیت فکری، چهار مبنا و هدف زیر را دنبال می‌کنند:

- الزام کشورهای عضو به رعایت «استانداردهای حداقلی»^۹ در حمایت از مالکیت فکری. اثر شبکه‌ای اصل بالا این است که الحاق اعضا به هر موافقت‌نامه دو یا چندجانبه بعدی در زمینه حقوق مالکیت فکری، تنها می‌تواند سطح استانداردهای حمایتی را بالا ببرد نه این که آن‌ها را از حداقل‌های حمایتی فعلی، معاف سازد. (کورا و همکاران، ۲۰۰۰ م.)

- معاهدات به دنبال الزام اعضا به اعطای حمایت به اتباع سایر اعضا مشابه با حمایت از اتباع خود هستند (رفتار ملی^{۱۰}). رفتار ملی یک از اصول عدم تبعیض میان اتباع داخلی و خارجی است.

- موافقت‌نامه‌های مزبور، در پی الزام اعضا به شناسایی وضعیت و حقوق اعطاشده به یک اثر فکری در عضوی دیگر است (شناسایی بین‌المللی^{۱۱}). در این موقعیت، تبعه خارجی تنها از به اصطلاح «امتیاز ورود^{۱۲}» منتفع می‌شود نه حقوق اضافه‌تر (دراوس، ۲۰۰۴ م).

- این معاهدات، با الزام اعضا به پذیرش «حق تقدم^{۱۳}»، آن‌ها را موظف به اعطای حقوقی به اظهارنامه ارائه‌شده در عضوی دیگر مشابه با اظهارنامه ملی خود بر اساس همان تاریخ اولیه می‌کنند به شرطی که اظهارنامه بعدی در فاصله زمانی معینی پس از اظهارنامه نخستین ایفاد گردد. یکی از مزایای اصلی کنوانسیون پاریس، اعطای حق تقدم به اختراعات، مدل اشیای مفید، علائم تجاری و طرح‌های صنعتی بود.

اصول و اهداف چهارگانه مذکور، یکپارچگی بین‌المللی قابل توجهی را در زمینه حقوق مالکیت فکری سبب شده است. این جهان‌شمولی، آثار و عوارض مهمی به دنبال دارد. نخست، با تنظیم استانداردهای حداقلی، موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، درجه‌ای از یکنواختی و یکسان‌سازی در قوانین ملی کشورها را سبب می‌شوند. روند این یکنواخت‌سازی، از طریق مذاکرات کشورها بر سر ایجاد قواعدی یکسان در معاهدات آغاز شده و پس از پذیرش و الحاق این موافقت‌نامه‌ها، قوانین داخلی جهت تطابق با آن‌ها اصلاح می‌گردند. دوم این‌که، به موجب اصل رفتار ملی، خارجیان از نظام حقوق ملی یک کشور عضو، به همان اندازه و مکانیزمی که یک تبعه آن عضو بهره‌مند می‌شود، بدون هیچ‌گونه تبعیضی در کسب حمایت و اجرای این حقوق، برخوردار می‌گردند. (گاری و همکاران، ۲۰۰۷ م).

سوم، بر اساس قواعد شناسایی بین‌المللی و حق تقدم، قوانین داخلی مالکیت فکری، به نحوی اعمال می‌شوند که صاحبان حقوق مالکیت فکری در یک عضو، از

حمایت‌های اعضای دیگر نیز بهره‌مند شوند. برای مثال، اگر قانون ملی استرالیا، به هر اثر ادبی که برای نخستین بار در استرالیا منتشر شده باشد، حق کپی‌رایت اعطا کند، با توجه به اصل شناسایی بین‌المللی مقرر در کنوانسیون برن (بند اول ماده ۵)، اولین انتشار در امریکا نیز در حکم انتشار در استرالیا و در نتیجه مشمول حمایت قانون کپی‌رایت استرالیا فارغ از ملیت مؤلف خواهد بود.

۳- اهداف نظام بین‌الملل حقوق مالکیت فکری از دیدگاه موافقت‌نامه تریپس

افزون بر مفهوم یکپارچگی بین‌المللی مالکیت فکری، موافقت‌نامه تریپس نیز با ذکر عباراتی، برخی اهداف از جهانی‌سازی این حقوق را روشن ساخته است. این اعلام مواضع، در مقدمه، اهداف مذکور در ماده ۷، اصول مندرج در ماده ۸ و ضمانت اجرای حقوق مالکیت فکری در بخش سوم گنجانده شده است. مقدمه این موافقت‌نامه، اهداف توسعه‌ای و فناورانه را به عنوان مثالی برای اهمیت نظم و سیاست‌گذاری عمومی در نظام ملی کشورها به رسمیت شناخته است. با ملاحظه این اهداف توسعه‌ای، مقدمه موافقت‌نامه، نیازهای ویژه کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته را با تأکید بر اعمال بیشترین انعطاف در پیاده‌سازی مقررات به منظور دستیابی به سطح مناسب تکنولوژیک مورد اشاره و شناسایی قرار داده است.

اهداف مندرج در ماده ۷، نمودی از منافع متعارض است که باید با توجه به اهداف جهانی مالکیت فکری، میانشان تعادل و تناسب برقرار گردد. این ماده، از ادبیاتی تازه برای بیان اهداف بین‌المللی حمایت از حقوق مالکیت فکری استفاده کرده است: «حمایت از حقوق مالکیت فکری و اجرای این حقوق باید به توسعه نوآوری‌های فناورانه و انتقال و گسترش فناوری و استفاده متقابل تولیدکنندگان و به کارگیرندگان دانش فنی کمک کند و به گونه‌ای صورت گیرد که به رفاه اقتصادی و اجتماعی و توازن میان حقوق و تعهدات منجر شود.»

ماده ۸ نیز برخی اهداف نظام جهانی حقوق مالکیت فکری را بیان می‌دارد. در بند ۱، بر حفظ تغذیه و بهداشت عمومی و گسترش منافع عمومی در بخش‌های حیاتی برای توسعه اجتماعی اقتصادی تأکید شده است. در بند ۲ این ماده نیز به لزوم اتخاذ اقداماتی به منظور جلوگیری از سوء استفاده دارندگان این حقوق و همچنین پرهیز از روش‌های محدودکننده تجارت و انتقال بین‌المللی فناوری اشاره شده است. در نهایت، قسمت سوم موافقت‌نامه نیز بر لزوم اتخاذ اقدامات مؤثر و کافی برای اجرای حقوق مالکیت فکری و نیز در دسترس بودن رویه‌های قضایی و اداری و جبران خسارت تأکید نموده است. به عنوان مثال، بند ۲ ماده ۴۱ اشعار می‌دارد رویه‌های اجرایی حقوق مالکیت فکری، باید منصفانه و عادلانه بوده و پیچیده و پرهزینه یا دارای مهلت‌های غیر معقول و معطلی بی‌جهت نباشد.

۴- چالش‌های نظام مالکیت ادبی و هنری

اگرچه یک نظام یکپارچه جهانی در حمایت از حقوق مالکیت فکری وجود دارد که موافقت‌نامه تریپس اهداف آن را بیان کرده است، اما در صورت اعمال اصول و قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی بر اختلافات مشمول چند صلاحیت در حوزه فناوری‌های اینترنتی، با چالش‌های جدی مواجه می‌شویم. در فضای برخط (آنلاین)، محدودیت‌های سرزمینی حقوق مالکیت فکری، فرو می‌ریزد و جای خود را به بهره‌برداری جهانی روزافزون از این حقوق می‌دهد. مشکل زمانی به وجود می‌آید که حقوق، در بیش از یک سرزمین، مورد حمایت باشند و قوانین ملی متفاوتی مطرح باشد. بنابراین تعیین مرجع صالح ملی برای رسیدگی به اختلافات حاوی عنصر خارجی و نیز شرایطی که به موجب آن، رأی صادره از دادگاه خارجی، قابل شناسایی و اجرا در یک کشور باشد، دشوار می‌نماید. همچنین تشخیص

این که کدام قانون ملی بر رسیدگی ماهوی به رابطه حقوقی حاوی عنصر خارجی، حاکم است، کار آسانی نیست.

در حقوق ایران نیز، قانونگذار، به امکان نقل و انتقال حقوق و اموال توجه داشته و مستفاد از ماده ۹۶۶ قانون مدنی، تغییر محل وقوع مال فکری (به عنوان مال منقول)، به حق مکتسب اشخاص (مثل حق ناشی از کنوانسیون‌های بین‌المللی)، صدمه نمی‌زند^{۱۴}، اما در این خصوص دو نکته قابل توجه است: نخست این که ماده ۹۶۶، بر حکومت قانون محل وقوع و قرارگیری مال تأکید دارد، در حالی که در دارایی‌های فکری، برخلاف اموال ملموس و فیزیکی، تعیین مکان و موقع به علت ناملموس بودن و نداشتن وجود خارجی و مادی و همچنین انتقال سریع در محیط برخط و شبکه‌های اینترنتی، دشوار می‌نماید. دوم این که با توجه به عدم الحاق ایران به کنوانسیون‌های اصلی و مادر در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری نظیر کنوانسیون برن، شناسایی و اجرای حقوق مکتسب اتباع خارجی به موجب معاهدات مذکور، محل تردید بوده و قانون داخلی (قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب سال ۱۳۴۸ ش.) نیز تنها از آثاری حمایت به عمل می‌آورد که برای نخستین بار در ایران منتشر شده باشد.

اگر دعوایی علیه چند ناقض و متخلف خارجی و چندملیتی مطرح باشد، راه حلی که معاهدات بین‌المللی ارائه می‌دهند این است که خواهان می‌تواند در هر یک از کشورهای عضو کنوانسیون، اقامه دعوی کند. با وجود این، در صورت وقوع نقض در چند کشور مختلف، مشخص نیست که خواهان در کدام کشور می‌تواند شکایت کند. به علت ماهیت سرزمینی حقوق مالکیت فکری و همچنین بر اساس اصول و نظریات قدیمی و قرون وسطایی تعارض قوانین، این چالش مطرح می‌شود که دادگاه ملی یک کشور صلاحیت رسیدگی به پرونده‌ای را که ناشی از نقض

حقوق خارجی باشد، ندارد، حتی در صورت حل‌شدن مشکل صلاحیت، مشخص نیست که کدام قانون، حاکم خواهد بود. گزینه‌ها عبارتند از «قانون مقر^{۱۵}»، «قانون محل وقوع نقض^{۱۶}»، «قانون کشور متبوع یا اقامتگاه یا مرکز مهم امور^{۱۷}» خواهان یا خوانده و یا «قانون مناسب^{۱۸}» که در حقوق قراردادها مطرح می‌شود. آیا می‌توان از میان این همه قانون خارجی مطرح، به قرعه و تصادف انتخاب کرد؟^{۱۹}

به عنوان مثال، در مقررات و رویه قضایی برخی کشورها مثل استرالیا^{۲۰}، برای این‌که دادگاه ملی یک کشور، بتواند نقض و تخلف مذکور را مورد رسیدگی قرار دهد، لازم است که: اولاً آن عمل در کشور استرالیا (محل رسیدگی) هم تخلف محسوب شود؛ ثانیاً عمل، بر اساس قانون کشور محل وقوع هم نقض محسوب گردد. مشکل دیگر این است که اگر قانون محل وقوع نقض را ملاک قرار دهیم، تعیین محل نقض، به ویژه در ارتباط با تخلفات اینترنتی دشوار خواهد بود، اگرچه با قیاس با ماهواره‌ها می‌توان «مکان ارسال^{۲۱}» را به عنوان یک معیار قرار داد، اما در ارتباط با اینترنت، با توجه به وجود سرورهای مختلف در محل‌های متفاوت، تعیین مکان ارسال، مشکل است ضمن این‌که آثار و عوارض وقوع تخلف در محل دریافت^{۲۲} نیز می‌تواند کاملاً متفاوت از محل ارسال باشد.

همچنین گرایش‌های جایگزین رویکرد سرزمینی نیز مطرح است، مثلاً گرایش معروف به «Root Copy» در حقوق آمریکا، مشابه با رویکرد ماده ۹۷۱ قانون مدنی ایران، بر صلاحیت قانون مقر رسیدگی (محل اقامه دعوی) تأکید دارد، اما مشکل این رویه این است که با توجه به وقوع تخلف در سراسر دنیا، نمی‌توان تمامی موارد نقض را در یک محل مورد رسیدگی قرار داد. سایر راه‌حل‌های پیشنهادی عبارتند از اقامتگاه خوانده، اقامتگاه یا مرکز کسب و کار مؤلف و صاحب اثر، مکانی

که آخرین اثر نقض، محقق شده است و همچنین رویه‌های فراملی نظیر رویه حل و فصل اختلافات نام‌های دامنه براساس «نظام یکنواخت حل و فصل اختلاف نام دامنه^{۲۳}» که توسط «مؤسسه اینترنتی ارقام و نام‌های اختصاصی^{۲۴}» مدیریت می‌شود.

راه حل دیگری که در اصول راهنمای «مؤسسه حقوقی امریکایی^{۲۵}» ارائه شده، قانون مقری است که نزدیک‌ترین ارتباط را با دعوی داشته باشد که این ارتباط نزدیک، از طریق موضوعاتی چون اقامتگاه طرفین دعوی، مرکزیت روابط حقوقی آنان، فعالیت‌ها یا دارایی‌ها و بازارهای محل فعالیتشان قابل تشخیص است. روش دیگر هم انتخاب قانون حاکم بر دعوا با توجه به قراردادهای بین‌المللی مدنی و تجاری فیما بین براساس «کنوانسیون لاهه در خصوص توافقات انتخاب دادگاه^{۲۶}» است.

۵- تفاوت موافقت‌نامه تریپس و «معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری^{۲۷}»

نحوه شکل‌گیری معاهدات به اصطلاح دیجیتال سازمان جهانی مالکیت فکری، در بسیاری موارد، داستان موافقت‌نامه تریپس را تداعی می‌کند. با این حال، طرفداران حمایت حد اکثری از کپی‌رایت در محیط دیجیتال به شیوه موافقت‌نامه تریپس، نتوانستند به همان اندازه موافقت‌نامه تریپس، موفق باشند. آن‌ها خود را در مقابل گروه قدرتمندی متشکل از برخی شرکت‌ها و متخصصین دیدند که راه جایگزین دیگری پیشنهاد می‌کردند.

نمایندگان شرکت‌های بزرگی چون «Netscape» و «Sun Microsystems»، با سازمان‌های مردم‌نهاد طرفدار منافع عمومی جامعه، متحد شده بودند. آنان به خوبی از مفهوم و قاعده «استفاده منصفانه^{۲۸}» استفاده و بهره‌برداری کرده و روند پیش روی سرمایه‌داران طرفدار حمایت حد اکثری را دشوار و پیچیده ساختند.

عامل دیگر این تفاوت و هشیاری، تقدّم دو ساله موافقت‌نامه تریپس بر معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت بود که باعث شد مخالفان از تجربه حمایت حد اکثری مندرج در موافقت‌نامه تریپس و تغییرات ساختاری پس از آن در سیاستگذاری‌ها و انتقال منافع، درس گرفته و پس از دو سال از خواب غفلت بیدار شوند.

این تجربه تاریخی نشان داده که هر جا عوامل شکل‌دهنده یک نظم جهان‌شمول با یک نظام جایگزین قدرتمند مواجه نبودند، موفق‌تر عمل کرده‌اند. در موافقت‌نامه تریپس، نظم جایگزین، در ابتدا از سوی کشورهای در حال توسعه مطرح شد که به دلیل اختلافات کارشناسی و سیاسی در درون خود، از اهمیتش به عنوان چالشی در برابر جهانی‌سازی نظام حقوق مالکیت فکری کاسته شد، اما در موضوع معاهدات کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری در ۱۹۹۶، قدرت‌ها، عوامل و چالش‌ها، با هم برابری می‌کردند. در دوران «پساتریپس^{۲۹}»، چالش‌های جدیدی که نظامی جایگزین را مطرح می‌کردند، مشروعیت و مقبولیت موافقت‌نامه تریپس را به ویژه در حوزه ایدز، زیر سؤال بردند. در حقیقت، پس از انعقاد این موافقت‌نامه بود که مسأله مشروعیت آن به طور جدی مطرح شد.

۶- وضعیت ایران در نظام بین‌الملل حقوق مالکیت ادبی و هنری

۱-۶- جایگاه کشور در رتبه‌بندی حقوق مالکیت: گزارش شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت^{۳۰} از سال ۲۰۰۷ توسط اتحادیه حقوق مالکیت تهیه می‌شود و کشورها را از لحاظ تضمین حقوق مالکیت با یکدیگر مقایسه می‌کند. در این شاخص نمره‌ای از ۰ تا ۱۰ به هر کشور اختصاص داده می‌شود. نمره ۱۰ نشان‌دهنده بهترین حالت و بالاترین حد تأمین حقوق مالکیت و نمره صفر نشانگر کم‌ترین حد تأمین حقوق مالکیت است. در گزارش ارائه‌شده از این شاخص در سال ۲۰۱۳، وضعیت ۱۳۱ کشور با هم مقایسه شده است. این شاخص اقتصادی نشان می‌دهد

که بین موفقیت‌های اقتصادی و حقوق مالکیت در تمام جهان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

برای اندازه‌گیری شاخص کلی حقوق مالکیت ابتدا آن را در سه نماگر محیط حقوقی و سیاسی^{۳۱}، حقوق مالکیت فیزیکی^{۳۲} و حقوق مالکیت فکری محاسبه و از تلفیق این سه نماگر، شاخص حقوق مالکیت استخراج می‌شود. در گزارش شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت «متوسط منطقه‌ای» نیز برای شاخص حقوق مالکیت و نماگرهای آن اندازه‌گیری می‌شود تا از این طریق بتوان مناطق جغرافیایی را از نظر تضمین‌های حقوق مالکیت مقایسه کرد. مناطق در بخش‌های آفریقا، آسیا و اقیانوسیه، اروپای مرکزی و اروپای شرقی و آسیای مرکزی، آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب، خاورمیانه و شمال آفریقا، آمریکای شمالی و غرب اروپا دسته‌بندی شده‌اند. نتایج این بخش نشان می‌دهد که منطقه آمریکای شمالی و غرب اروپا به ترتیب بهترین کارکرد را در میان مناطق جغرافیایی از لحاظ تأمین حقوق مالکیت و نماگرهای آن دارند.

رتبه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در میان ۷ منطقه نام‌برده، ۴ است. نتایج اندازه‌گیری شاخص حقوق مالکیت در بین کشورها نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۳ کشور فنلاند دارای بهترین و یمن دارای ضعیف‌ترین عملکرد در تأمین حقوق مالکیت بوده‌اند. ایران در میان کشورها از نظر تأمین حقوق مالکیت در سال ۲۰۱۳، با امتیاز ۳/۴ در جایگاه ۱۱۰ در میان ۱۳۱ کشور قرار گرفته است. حیطة حقوق مالکیت فکری شامل سه شاخص حمایت از حقوق مالکیت فکری به طور کلی، حمایت از حقوق مرتبط با حق مؤلف و حمایت از مالکیت صنعتی در بخش ثبت اختراعات است. ایران در حیطة حقوق مالکیت فکری با امتیاز ۳/۹ در جایگاه ۱۰۸ در میان ۱۳۰ کشور قرار گرفته است که تنها برآوردی از دو شاخص

حمایت از حقوق مالکیت فکری و حمایت از مالکیت صنعتی است و برای شاخص حمایت از حق مؤلف به دلیل عضو نبودن کشور، عددی - رتبه‌ای ذکر نشده است. (لورنزو، ۲۰۱۳ م.)

با وجود این که امتیاز کشور جمهوری اسلامی ایران در بررسی‌های شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ میلادی ۷/۵+ درصد رشد داشته است، به دلیل عدم ارائه داده‌های آماری به زبان انگلیسی و واگذار نکردن آن به سازمان‌های جهانی، این شاخص در رتبه‌بندی سال ۲۰۱۴ حذف شد. در سال ۲۰۱۵، ایران با کسب امتیاز کلی ۴ از ۱۰، رتبه ۱۰۸ را از بین ۱۲۹ کشور و رتبه ۱۷ را بین ۲۰ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به دست آورده است. چنین رتبه و امتیاز پایینی برای ایران باعث شده است تا کشور ما در بین ۲۰٪ پایینی کشورهای جهان قرار گیرد؛ بالاترین امتیاز، متعلق به کشور فنلاند با عدد ۸/۳ و پایین‌ترین امتیاز متعلق به کشور میانمار با عدد ۲/۵ است. این گزارش تأییدکننده این نظریه است که بین توسعه‌یافتگی و حمایت از حقوق مالکیت کشورها ارتباط مستقیم وجود دارد. به عبارت دیگر، هر جا حمایت از حقوق مالکیت افراد بهتر تأمین شود، رفاه اقتصادی بیشتری نیز مشاهده می‌شود. (کارسینت، ۲۰۱۵ م.)

۲-۶- چالش‌های موجود در ارتباط با پیوستن ایران به معاهده بین‌المللی

حمایت از حق مؤلف: منتقدین حق مؤلف به دو دسته تقسیم می‌شوند. آن‌هایی که ادعا می‌کنند حق مؤلف هیچ منفعتی برای جامعه نداشته و همیشه به قدرتمند کردن عده کمی در جهت بروز خلاقیت خدمت کرده است و دسته دیگر کسانی هستند که ادعا می‌کنند ساز و کار حق مؤلف موجود، باید در جهت حفظ ارتباطش با یک جامعه اطلاعاتی جدید اصلاح شود. در بین گروه اخیر کسانی

هستند که حق مؤلف را به عنوان راهی در جهت اعطای حقوق مؤلف می‌پذیرند، اما تصور می‌کنند اعطای حق مؤلف برای مدت طولانی (برای مثال فراتر از عمر مؤلف)، سود مستقیم اندکی برای مؤلف دارد و موجب نقض فلسفه وجودی این نظام می‌گردد، زیرا انحصار طولانی مدت بر یک اثر مانع ایجاد نوآوری‌های متعاقب آن می‌گردد.

اما بدون یک روش عملی برای جبران دسترنج و سرمایه‌گذاری انجام‌شده توسط پدیدآورنده از طریق حق مؤلف، انگیزه اقتصادی و مالی اندکی برای خلق اثر وجود خواهد داشت. مدافعین نظام کنونی حق مؤلف می‌گویند این روش به خصوص در مورد آثاری که به کار و سرمایه بسیار نیازمند بوده‌اند تا حد زیادی از حیث ایجاد انگیزش مالی خلق اثر و توزیع طیف وسیعی از آثار موفق بوده است. از این رو مطابق با قانون حمایت از مؤلفان، مصوب ۱۳۴۸، حقوق مادی اثر برابر با مدت عمر پدیدآورنده تا ۳۰ سال پس از مرگ وی بود. این مدت در مصوبه سال ۱۳۸۹، مجلس شورای اسلامی به ۵۰ سال افزایش یافت و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصیت به کسی منتقل نشده باشد، برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار حاکم اسلامی (ولی فقیه) قرار می‌گیرد.

به نظر سد در عین این‌که می‌بایست نسبت به آثار منفی اعطای حقوق انحصاری حساس بود، نباید حمایت از آثار ادبی و هنری را رد کرد. موفقیت‌های اخیر در زمینه طرح‌های نرم‌افزاری رایگان مانند مرورگر موزیلا^{۳۳} نشان می‌دهد که حتی در نبود امتیازات انحصاری برای حق مؤلف، می‌توان آثار با کیفیتی را پدید آورد. چنین آثاری تحت لوای مجوزهای حق نشر آزاد^{۳۴} و مجوزهای منابع رایگان^{۳۵} منتشر و در اختیار عموم قرار می‌گیرند. از طریق این مجوزها، مؤلفین ضمن حفظ مالکیت اثر، توزیع آن را مجاز می‌گذارند. مزیت این مسأله ارائه یک برنامه منسجم

است که به دنبال آن مؤلفین می‌توانند برخی از موانعی که حق مؤلف بر دیگران تحمیل می‌کند را کاهش دهند و اجازه دهند تا حدودی اثر در جامعه توزیع شود، ضمن این‌که حقوق خود همانند اعطای حق نشر، استفاده و تخلص، بازنگری و چاپ مجدد را حفظ می‌کنند.

تصویب قانون کپی‌رایت و پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی موجب می‌شود که رعایت قانون حق مؤلف در ایران پیرامون محصولات خارجی کاملاً لازم‌الاجرا گردد، البته محصولات علمی و فرهنگی کشورمان نیز در لوای قوانین جهانی حق مؤلف مورد حمایت قرار گیرند، اما آیا اجرای این قانون حتی برای بیست سال آینده در ایران تحقق‌یافتنی است؟ پیوستن ایران به کنوانسیون برن این نگرانی را ایجاد می‌کند که آیا همان قوانین سخت‌گیرانه‌ای که در کشورهای متمدن اروپایی و آمریکایی اجرا می‌شود، در ایران نیز اجرایی خواهد شد؟

در حوزه ترجمه و نشر کتاب نیز همین فضا حاکم است و با توسعه نشر الکترونیک در کشورهای اروپایی، اهمیت حق مؤلف دوچندان شده و سخت‌گیری‌ها نیز افزایش یافته است. ناشران کشورمان نیز که برخی از مهم‌ترین کتب روز را با تیراژ حداکثر سه هزار نسخه منتشر می‌کنند، توان خرید امتیاز بسیار گران‌قیمت ترجمه و چاپ فارسی چنین کتبی را ندارند و با توجه به عدم عضویت ایران در کنوانسیون برن، از فضای کنونی استفاده کرده و بدون اخذ مجوز از صاحب اثر، کتاب شان را منتشر می‌کنند. همچنین با تصویب این قانون، همه روزنامه‌های ایران برای تهیه بخشی از اخبار و تصاویرشان باید با خبرگزاری‌های جهان قرارداد ببندند و مراقب باشند، تصاویر ناقض قانون حق مؤلف را استفاده نکنند.

سرقت محصولات علمی، ادبی و هنری مانعی بر سر راه پیشرفت اقتصاد دانش‌محور امروزی است و با این دیدگاه می‌توان تمام جامعه را قربانیان چنین عملی دانست.

هزینه ناشی از سرقت فرهنگی را دست کم می‌توان در دو بعد بررسی کرد: اول این که چنین عملی در سطح کلان به طور مستقیم به طرق مختلف به اقتصاد جامعه آسیب می‌رساند که در این میان می‌توان به کاهش درآمد مالیاتی کشور و رکود اقتصادی اشاره کرد. دوم این که منافع و حقوق مؤلفین و سرمایه‌گذاران در رابطه با تولید و توزیع محصولات اصلی مورد هجوم قرار گرفته و باعث کاهش فروش و از دست رفتن سود شرکت‌ها می‌شود. بنابراین مشتریان که اقدام به خرید فیلم‌ها و محصولات موسیقی کپی شده می‌کنند، هزینه‌ای را به جامعه تحمیل می‌کنند که در نهایت خود نیز به عنوان عضوی از جامعه از آن آسیب می‌بینند.

در ایران برای حمایت از ناشر و مؤلف، قوانین مناسبی وجود دارد که اگر به خوبی بر اجرای آن‌ها نظارت گردد، این قوانین می‌توانند با قوانین بین‌المللی رقابت و برابری کنند. از این رو کشور ما به مسأله حقوق مؤلف و ناشر پای‌بند است و ساز و کار قانونی جهت اجرای آن وجود دارد، اما باید توجه داشت که در حال حاضر به خاطر نپیوستن به کنوانسیون برن ارتباط کشور با سطح بین‌المللی گسسته است، اما نگاه به گذشته علمی جامعه و وضعیت موجود، توجه ما را به این موضوع جلب می‌کند که بی‌توجهی و تقیدنداشتن به رعایت حقوق پدیدآورندگان خارجی، تأثیری در جهش علمی جامعه نداشته است. به عبارت دیگر آنچه امروز به عنوان پیشرفت علم و تکنولوژی در جامعه مشاهده می‌کنیم، محصول آزادی عمل در ترجمه و انتشار آثار علمی بدون پرداخت هزینه نیست. حال این سؤال مطرح می‌گردد که آیا این امر، تأثیر منفی بر روند پیشرفت ما داشته است؟ آیا رعایت نکردن متقابل حقوق پدیدآورندگان داخلی توسط خارجی‌ها در از بین بردن انگیزه‌های مادی و معنوی پژوهشگران داخلی مؤثر نبوده است؟ حقیقت آن است که ملحق نشدن، فایده‌ای جز صرفه‌جویی اندک و احتمالی برای پرداخت هزینه آثار خارجی نداشته

است. در حالی که ضرر قطعی آن، تاراج سرمایه‌های علمی، فرهنگی و هنری جامعه ایرانی بوده است.

واقعیت غیر قابل انکار آن است که حرکت یک سویه علم به خصوص در زمینه‌های فنی، مهندسی و پزشکی و بعضی از رشته‌های علوم انسانی و هنری به داخل کشور ادامه دارد که این مسأله می‌تواند از موجبات دغدغه برای مدیران کشور باشد.

در مطالعه حسینی و مطلبی (۱۳۹۱ ش.) از دیدگاه ناشران شهر تهران علی‌رغم این‌که پیوستن ایران به نظام بین‌المللی حق مؤلف باعث افزایش قیمت کتاب‌های ترجمه‌شده می‌شود، ولی در مجموع آثار مثبت اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی برای کشور در پی خواهد داشت. همچنین بر نظام ترجمه آثار و قوانین داخلی حق مؤلف در ایران، پدیدآورندگان و تولیدکنندگان، و در بلندمدت در بهبود صنعت نشر ایران تأثیرات مثبتی دارد. اکثریت ناشران شهر تهران با پیوستن ایران به نظام بین‌المللی حق مؤلف موافق بودند. (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱ ش.) همچنین نتایج بررسی دیدگاه‌های ناشران شهرستان مشهد درباره قانون حق مؤلف نشان می‌دهد که اکثر ناشران وجود و اجرای این قانون را در کشور الزامی می‌دانند، اگرچه معتقدند در بسیاری از موارد، عدم رعایت این قانون خصوصاً در مورد آثار ترجمه‌ای منافع اقتصادی زیادی برای ایشان دارد، هرچند عدم رعایت این قانون از سوی مصرف‌کنندگان محصولات نشر از جهت مقابل می‌تواند به ضرر ناشران باشد، البته به طور قطع عدم رعایت این قانون میل و رغبت نویسندگان و مؤلفین را به نوشتن و تألیف، تحت تأثیر قرار داده است. اکثر ناشران خواهان تغییر این قانون از جنبه حق‌الناسی به جنبه عمومی (مدعی‌العمومی) هستند. ناشران، پیوستن ایران را به کنوانسیون‌های بین‌المللی حق مؤلف را گامی مؤثر در جهت بهبود وجهه صنعت نشر می‌دانند.

بر اساس مطالعه موسایی (۱۳۹۰ ش.)، با الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و رعایت کپی‌رایت باید تخصیص برخی از انواع یارانه‌ها به بخش کتاب حذف شود و به خارجی‌ان حق مؤلف پرداخت شود. با حذف سوبسیدها و پرداخت کپی‌رایت به خارجی‌ان، به طور متوسط ۷/۵ درصد قیمت کتاب افزایش می‌یابد و در کل ۱۳/۳۵ درصد تقاضا کاهش می‌یابد، البته عرضه یعنی تیراژ کتاب حساسیت کم‌تری خواهد داشت و تغییرات آن بسیار جزئی و افزایش آن در کوتاه‌مدت بسیار ناچیز خواهد بود، اما در بلندمدت به دلایل متعددی از جمله حضور در بازارهای جهانی و افزایش کیفیت، تیراژ کتب افزایش خواهد یافت. تجربه سایر کشورها نیز این مطلب را تأیید می‌کند. (موسایی، ۲۰۱۱ م.) به هر صورت، هزینه‌های ناشی از رعایت حقوق ناشران خارجی به دلایل زیر نمی‌تواند خللی در حرکت و جریان علم به سمت داخل باشد:

- ناشران بزرگ بین‌المللی، آثار خود را برای کشورهای با شرایط اقتصادی و سطوح درآمدی مختلف قیمت‌گذاری می‌کنند (ماده ۳ پیوست کنوانسیون برن با عنوان مقررات ویژه برای کشورهای در حال توسعه).

- عدم پذیرش تعهدهای بین‌المللی سبب کم‌رنگ‌شدن حضور ناشران خارجی در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب و نیز عدم مقبولیت حضور ناشران ایرانی در نمایشگاه‌های خارجی می‌گردد.

- حق ترجمه یا تجدید چاپ یک اثر خارجی بر اساس قیمت و تیراژ داخلی محاسبه و پرداخت می‌گردد، اگرچه آن مبلغ در عرف بین‌المللی بسیار ناچیز باشد. یک اثر ترجمه‌ای برای ناشر هزینه تألیف ندارد و این مزیتی برای انتشار کتاب‌های ترجمه شده است.

- استقبال ناشران برای کتاب‌های تألیفی به دلیل امکان انتشار انحصاری است که در اثر ترجمه‌ای وجود ندارد که این مزیت را می‌توان برای آثار ترجمه‌شده نیز ایجاد کرد.

- در صورت پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی در این حوزه، هزینه حق تألیف اضافه نمی‌گردد، اما هزینه حق ترجمه اضافه خواهد شد. هزینه حق ترجمه و سایر هزینه‌های احتمالی ناشی از رعایت حق مؤلف نسبت به افزایش قیمت‌های عوامل فنی چاپ و به خصوص کاغذ و مقوا بسیار کم‌تر است.

- همچنین باید توجه داشت که موضوع، حیطة فعالیت و نفوذ کنوانسیون برن، فقط در حوزه حقوق مالکیت ادبی و هنری است و نمی‌تواند مدیریت فرهنگی جامعه را ملزم به انفعال و یا تسلیم در برابر انتشار آثار فرهنگی خارجی نماید. در واقع، موضوع ممیزی از حقوق حاکمیتی هر کشور است. برای انتشار و ترجمه اثر خارجی در داخل کشور، هم مجوز داخلی و هم اجازه ناشر یا پدیدآورنده خارجی لازم است. در عین حال، از جمله حقوق صاحب اثر خارجی، حقوق معنوی پدیدآورنده است که شامل حق سرپرستی و حق درستی و تمامیت^{۳۶} است. برابر با ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن، حق سرپرستی مقرر می‌کند که نمی‌توان اثر خارجی را بدون نام پدیدآورنده یا با تغییر، ترجمه و منتشر ساخت.

همچنین بر اساس حق درستی و تمامیت نمی‌توان محتوای اثر را تغییر داد یا حذف نمود. به این ترتیب، همچنان که حاکمیت داخلی حق دارد به هر کتابی اجازه انتشار ندهد، صاحب حق کتاب خارجی نیز با در نظر گرفتن بند یک ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن حق دارد، مانع از حذف یا تغییر مطالب گردد. شاید نمونه بارز رعایت‌نشدن حق مؤلف در ایران در حوزه کتاب باشد و سانسور موجود در این زمینه به نقض این حق بسیار کمک کرده است، اگرچه صاحب اثر می‌تواند خودش

مترجم و ناشرش را در کشور مقصد انتخاب کند، (قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶ ش.) ولی در نهایت با وجود دشواری نظارت بر ترجمه و شیوه انتشار آثار یک نویسنده در کشور، نیاز به محدودیت ممیزی و سانسور آثار در حد ممکن است.

اصل حمایت عاری از تشریفات، یکی از اصول بین‌المللی نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری به شمار می‌آید و جایگاه این اصل در کشورهای عضو کنوانسیون برن تثبیت شده است. با وجود این، تحلیل و تبیین اصل یادشده در ادبیات حقوقی ایران نادیده گرفته شده و واکاوی آن در جهان کنونی با توجه به نتایج بعضی از تشریفات در دسترسی آسان‌تر به آثار و دادرسی عادلانه‌تر بسیار حیاتی است. (شاکری، ۱۳۹۲ ش.) بنابراین به جز ممیزی جزئی در مواردی که در تعارض با امنیت ملی و اخلاق و عفت عمومی جامعه است، برای پیوستن به معاهده بین‌المللی حق مؤلف، لازم است تا مترجمین و نویسندگان داخلی و خارجی در نگارش و انتشار کتاب‌هایشان آزاد باشند. (خبرگزاری آنا، ۱۳۹۴ ش.)

- پیوستن به کنوانسیون برن نمی‌تواند مانع از ورود آثار علمی و مورد نیاز جامعه باشد، بلکه با صرف اندکی هزینه بیشتر، جامعه علمی می‌تواند به آخرین و جدیدترین آثار منتشرشده در دنیا دسترسی داشته باشد. بیم اجازه‌نداشتن برای ترجمه آثار علمی و انتشار آن در داخل کشور نیز بی‌مورد است، چراکه جدای از استقبال ناشران خارجی از ترجمه و انتشار و دریافت حقوق خود، چنانچه تا مدت ۳-۷ سال بعد از انتشار اولیه، پاسخی از طرف ناشر اصلی به تقاضای ترجمه داده نشود، متقاضی می‌تواند بر اساس ماده ۳ پیوست کنوانسیون برن با عنوان مقررات ویژه برای کشورهای در حال توسعه اقدام نماید. (حسینی نیک، ۱۳۹۴ ش.)

۳-۶- دورنمای الحاق ایران به نظام جهانی حقوق مالکیت ادبی و هنری:

طی دو دهه اخیر، اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان شامل اکثر کشورهای اسلامی، کشورهای در حال توسعه (همچون برزیل، هند و چین) و نیز اکثریت قریب به اتفاق کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته به کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی (علمی) و هنری ملحق شده‌اند. به طوری که در حال حاضر کنوانسیون برن به منشور جهانی و سند بین‌المللی مادر در زمینه حداقل حمایت از پدیدآورندگان آثار علمی، ادبی، هنری و حقوق مرتبط در سطح ملی و بین‌المللی تبدیل گردیده است.

این موضوع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز از سال‌ها پیش همواره در کانون مباحث توسعه‌ای کشور بوده است و در گذشته، مسئولین وقت جمهوری اسلامی ایران نیز در خصوص الحاق به معاهدات مربوط به حمایت از پدیدآورندگان آثار علمی، ادبی و هنری به ویژه کنوانسیون برن دارای دغدغه‌هایی مشابه دغدغه‌های سایر کشورهای در حال توسعه از جمله در حوزه کتاب (بخشی اندکی از حوزه مالکیت علمی، ادبی و هنری) بوده‌اند که در این خصوص منجر به استفسار وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۳ از رهبری معظم انقلاب گردید که ایشان در سال ۱۳۷۳ در پاسخ به استفسار به عمل آمده از ایشان و با توجه به شرایط و اوضاع و احوال وقت اعلام فرموده‌اند: «حق التألیف درباره مؤلفین و مصنفین داخل کشور امری منطقی و شرعی است، لکن انعقاد قرارداد متقابل این حق (کپی‌رایت) با کشورهای دیگر را در حال حاضر مفید و به مصلحت نمی‌دانم، بلکه به ضرر و برخلاف مصلحت می‌دانم.» (رفیعی، ۱۳۹۲ ش).

تصریح مقام معظم رهبری به این‌که در حال حاضر (۱۳۷۳ ش.) انعقاد قرارداد متقابل با سایر کشورها را به مصلحت ندانسته‌اند، تجویز و موجبی گردید که چند سال بعد به ویژه از آغاز دهه ۱۳۸۰ شمسی که اوضاع و احوال و شرایط به گواهی

صاحب‌نظران و کارشناسان فن، به میزان چشم‌گیری تغییر یافته بود، بنا به درخواست دولت وقت، قانون الحاق ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری در سال ۱۳۸۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای محترم نگهبان قانون اساسی رسید. وانگهی، در سال‌های بعد نیز در ده‌ها قرارداد متقابل (دوجانبه) متعددی که بین دولت جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها در زمینه‌های جلب و تشویق سرمایه‌گذاری‌های متقابل، توسعه تجارت و بازرگانی منعقد گردید. همچنین در موافقت‌نامه چندجانبه تجاری کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) (مصوب ۱۳۸۶ ش.) که به تصویب و تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسیده است، طرفین متعهد گردیدند به نحو مؤثر و متقابل از حقوق اتباع و پدیدآورندگان آثار علمی، ادبی، هنری و مرتبط کشور متعاقد در کشور خود حمایت نمایند.^{۳۷} در این خصوص نه تنها اجماع نظر کارشناسان و متخصصین بر وجود منافع حداکثری برای پدیدآورندگان آثار علمی، ادبی و هنری کشورمان در الحاق به دو سند مهم بین‌المللی موسوم به کنوانسیون ۱۸۸۶ میلادی برن (با اصلاحات و الحاقات بعدی) و کنوانسیون ۱۹۶۱ میلادی رم (برای حمایت از هنرمندان، سازمان‌های ضبط و تولید آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیو - تلویزیونی) و نیز عدم انسداد باب انتقال دانش و علوم به کشور در حوزه کتاب بوده است (با توجه به امتیازات مقرر در ضمیمه کنوانسیون برن برای تکثیر و ترجمه کتب خارجی)، بلکه الحاق ایران از منظر و جهات متعددی منجمله دفاع از اعتبار و حیثیت جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی، ارتقای مناسبات تجاری با سایر کشورها و در نهایت تسهیل عضویت کشور در معاهدات جدید تحت مدیریت سازمان جهانی مالکیت فکری که جنبه حمایتی برای کشورهای در حال توسعه و کم‌تر توسعه‌یافته دارد، امری اجتناب‌ناپذیر است.

نتیجه‌گیری

اگرچه جهان‌شمولی نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری، نظریه‌ای قابل اعتنا و دفاع به نظر می‌رسد و موافقت‌نامه تریپس هم برخی اهداف و مبانی مختلفی که این نظم جهانی باید داشته باشد را بیان نموده است، در خصوص بهره‌برداری‌های فرامرزی و بین‌المللی از این حقوق، چالش‌ها و مسائلی پیرامون صلاحیت و قانون حاکم بر حل اختلاف وجود دارد. این چالش‌ها، بیانگر کاستی‌های اصول و قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی و تعارض قوانین در زمینه انتخاب قانون حاکم و شناسایی و اجرای احکام خارجی است. با وجود این، چالش‌ها و خلأهایی نیز در سطح بین‌المللی وجود دارد. علی‌رغم تأکید کنوانسیون‌های جهان‌شمول بر دسترسی صاحبان حق به نظام‌های ملی و ایجاد و تدوین استانداردها و قواعد یکنواخت، در مورد اختلافات با خصیصه چندملیتی، روشن نیست که آیا قواعد مذکور، موجد و اعطاکننده صلاحیت رسیدگی نیز هستند یا خیر. جان سخن آنکه در این محیط رو به جهان‌شمولی، اصل سرزمینی بودن، محدودیت‌هایی در حل و فصل «دعاوی چندصلاحیتی»^{۳۸} سبب شده است، (روتستین، ۲۰۱۱ م). اگرچه علم، ادب و هنر مرز نمی‌شناسد و به راحتی از کشوری به کشور دیگر انتقال می‌یابد، اما حمایت از پدیدآورندگان آثار ادبی - هنری و صاحبان فکر و اندیشه محصور در حوزه صلاحیت قضایی کشوری است که آن آثار یا در آنجا خلق شده‌اند یا برای اولین بار منتشر، پخش، توزیع یا عرضه شده‌اند. در واقع معیارهای مختلفی توسط قانونگذاران کشورها برای تعیین ثغور و حدود قابلیت اعمال و اجرای قوانین حمایتی از پدیدآورندگان اموال فکری به کار گرفته می‌شوند که در کشور ما ماده ۲۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و... مصوب ۱۳۴۸ این معیار را اولین نشر، پخش، عرضه یا اجرای اثر در قلمرو سرزمینی ایران دانسته است. اعمال این مقررره موجب می‌شود

که حتی آثاری که توسط اتباع ایرانی خلق شده‌اند، ولی برای اولین بار در ایران منتشر نشده باشند، از دایره حمایت قانون مذکور خارج باشند. محدودیتی که این ماده با تأسی از ویژگی سرزمینی بودن قوانین مالکیت فکری بر پدیدآورندگان آثار بار می‌کند، از این منظر نیز قابل بررسی است که چنانچه اثر مورد حمایت قانون، در ورای مرزهای کشور، مورد نقض قرار گیرد، این قانون نمی‌تواند هیچ حمایتی از پدیدآورنده یا دارنده حق اثر منقوض بنماید. تنها راه غلبه بر ویژگی سرزمینی بودن، انعقاد موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه و پیوستن به معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی موجود در این زمینه است که متأسفانه علی‌رغم نیاز مبرم به انجام چنین اقداماتی، ایران تاکنون به عضویت هیچ کنوانسیونی در زمینه حقوق مالکیت ادبی، هنری در نیامده و با وجود انعقاد چندین موافقت‌نامه دو جانبه با برخی کشورها هیچیک از آنها جنبه عملی نیافته است. از نظر بستر و عوامل ساختاری، وضعیت کنونی کشور از نظر عوامل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ساختاری و قرارگیری آن در دوره پساتحریم نشان‌دهنده آماده‌نبودن بستر لازم برای پذیرش سیاست بین‌المللی حمایت از حق مؤلف و تصویب لایحه آن می‌باشد. از طرفی عوامل مؤثر بر ارتباطات بین‌المللی در زمینه تحقیق و تبادل دانش و فرایندهای اخلاقی، حقوقی آن، بر لزوم بازنگری قوانین موجود تأکید دارد. برای اتخاذ سیاست حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و پیوستن به معاهده جهانی، مهیانبودن تدریجی زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و قانونی ضرورت دارد. با توجه به این‌که تمهیدات الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی در این حوزه با الحاق ایران به موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری و بیش از یک دهه پذیرش ایران به عنوان ناظر سازمان جهانی تجارت فراهم آمده است، امید است در آینده‌ای نزدیک شاهد حضور مؤثرتر ایران در فضای جهان‌شمول نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری باشیم.

پی‌نوشت‌ها

1. Copyright
 2. Deontologist
 3. Consequentialist
 4. Utilitarianism
 5. Public interests
 - 6 TRIPS: Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights
 7. Monist System
 8. Dualist System
 9. Minimum Standards
 10. National Treatment
 11. International Recognition
 12. Benefit of Entry
 13. Right of Priority
۱۴. در خصوص تفاسیر و برداشتهای مختلف از این ماده، بنگرید به: امامی، سیدحسن. (۱۳۳۳ ش.). حقوق مدنی. تهران: انتشارات اسلامی، جلد چهارم، چاپ اول، ص ۱۰۷؛ کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵ ش.). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: نشر میزان، چاپ سیزدهم، ص ۵۷۳.
15. Lex Fori
 16. Lex Loci Delicti
 17. Law of the Plaintiff's/ Defendant's Nationality/ Place of Domicile/ Place of Incorporation
 18. Proper Law
۱۹. قرعه، هم حاکم کور است و هم لِكَلْ أَمْرٍ مُشْكِلٍ: حشمتی، ابوالفضل. موسوی، سیدرضا. (۱۳۹۳ ش.). جایگاه قرعه به عنوان حاکم کور در قوانین موضوعه ایران. نشریه جستارهای فقه و حقوق خصوصی. دوره اول، شماره اول، ص ۵۱.
۲۰. برای نمونه‌هایی از رویه قضایی استرالیا بنگرید به:
- British South Africa Co v Companhia de Mocambique [1893] A.C. 602;
 - Dagi v BHP (No.2) [1997] 1 V.R. 428;
 - Phillips v Eyre (1870) L.R. 6 Q.B. 1;
 - Koop v Bebb (1951) 84 C.L.R. 629;
 - Breavington v Godleman (1988) 169 C.L.R. 41;
 - McKain v Miller (1991) 174 C.L.R. 1;
 - Stephen v Head (1993) 176 C.L.R. 433.

21. Uplift
22. Place of Receipt
23. Uniform Domain Name Dispute Resolution Policy
24. ICANN: Internet Corporation for Assigned Names and Numbers
25. American Law Institute (ALI) Principles
26. Hague Convention on Choice of Court Agreements
27. WCT: WIPO Copyright Treaty
28. Fair Use
29. Post-TRIPS
30. International Property Rights Index, IPRI
31. Legal and Political Environment
32. Physical Property Rights
33. Mozilla Firefox
34. Copy Left
35. Free Software and Open Source Licenses
36. Integrity

۳۷. به عنوان نمونه می‌توان به موافقت‌نامه‌های دوجانبه ایران با ارمنستان، جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی پاکستان، جمهوری بلاروس، جمهوری بوسنی و هرزگوین، جمهوری سودان، جمهوری قزاقستان، جمهوری لبنان، جمهوری لهستان، جمهوری یمن، جمهوری ترکیه، بنگلادش، کنفدراسیون سوییس، قطر، جمهوری مقدونیه، مراکش، عمان، فرانسه، تونس، ازبکستان، اکراین، ایتالیا، بلغارستان، تاجیکستان، قرقیزستان، کرواسی، کره جنوبی، گرجستان و... اشاره نمود. همچنین پس از سال ۱۳۸۲ تاکنون نیز موافقت‌نامه‌های دوجانبه متعدد دیگری بین جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای جهان در زمینه‌های مختلف منعقد گردیده است که متضمن تعهد متقابل طرفین به حمایت مؤثر از آثار علمی، ادبی، هنری و حقوق مرتبط می‌باشد.

38. Multi-Jurisdictional Intellectual Property Disputes

فهرست منابع

الف - فارسی:

حسینی نیک، سیدعباس. (۱۳۹۴ ش.). *نقدی بر الحاق به کنوانسیون برن*. ارائه الکترونیکی در: <http://www.booklaw.ir/uploads/WV63868FJ1117726.ocx>

حسینی، شهیمه‌السادات. مطلبی، داریوش. (۱۳۹۱ ش.). بررسی پیامدهای الحاق ایران به نظام بین‌المللی حق مؤلف از دیدگاه ناشران شهر تهران. *فصلنامه تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*. دوره هجدهم، شماره دوم، صص ۳۱۲-۲۸۷.

خبرگزاری آنا. (۱۳۹۴ ش.). مهم‌ترین مانع پذیرش کپی‌رایت. ممیزی کتاب. ارائه الکترونیکی در: <http://www.ana.ir/news/58869>

رفیعی، غلامرضا. (۱۳۹۲ ش.). حمایت بین‌المللی از حقوق پدیدآورندگان آثار سینمایی ایران. *فصلنامه حقوق پزشکی*. ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری سال ۱۳۹۲، صص ۶۱-۳۷.

رهبری، ابراهیم. (۱۳۹۲ ش.). *حقوق اسرار تجاری*. تهران: سمت، ص ۸۴.

شاکری، زهرا. (۱۳۹۳ ش.). حمایت عاری از تشریفات؛ با تأکید بر کنوانسیون برن، نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری ایران و امریکا. *مجله حقوق تطبیقی*. دوره پنجم، شماره اول، صص ۱۳۲-۱۱۱.

قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۶۶ ش.).

ب - لاتین:

Beauchamp, T. Childress, J. (2013). *Principles of Biomedical Ethics*. 7th ed. USA: Oxford University Press, 45.

Bently, L. Brad, S. (2008). *Intellectual Property Law*. 3rd ed. New York: Oxford University Press, 63.

Buccafusco, C. (2016). A Theory of Copyright Authorship. *Virginia Law Review*. Available at: <http://web.law.columbia.edu/sites/default/files/microsites/kernochan/18.materials2015-Buccafusco.pdf>. Last visited 22 June, 2014.

Carciente SL. (2015). International Property Rights Index (IPRI): 2015 Report. From Americans for Tax Reform Foundation/Property Rights Alliance. Available at: <https://s3.amazonaws.com/ipri2015/2015+IPRI+final.pdf>. Last visited 22 June, 2014.

- Correa, C. Musungu, S. (2002). The WIPO Patent Agenda: The Risks for Developing Countries. Available at: http://www.wipo.int/meetings/en/2006/scp_of_ge_06/presentations/scp_of_ge_06_correa.pdf. Last visited 22 June, 2014.
- Drahos, P. (2004). Towards an International Framework for the Protection of Traditional Group Knowledge and Practice. Available at: https://www.anu.edu.au/fellows/pdrahos/reports/pdfs/2004Drahos_tkframeworkUNCTAD.pdf. Last visited 22 June, 2014.
- Ginburg, J. Lucas, A. (2003). *The Role of Private International Law and Alternative Dispute Resolution in WIPO, Intellectual Property on the Internet: A Survey of Issues*. Geneva: WIPO Publications, 283.
- Gurry, F. Abbott, F. Cottier, T. (2007). *International Intellectual Property in an Integrated World Economy*. Frederick: Aspen Publishers, 112.
- Lorenzo, FD. (2013). International Property Rights Index (IPRI): 2013 Report. From Americans for Tax Reform Foundation/Property Rights Alliance. Available at: <http://www.atlas.org.ar/upload/34647310.pdf>. Last visited 22 June, 2014.
- Musai, M. (2011). Accession to the WTO, Observation of Copyright and the Iranian Book Market. *Quarterly Journal of the Economic Research*. 11(2): 6-29.
- Rotstein, F. (2011). Is there an International Intellectual Property System? Is there an Agreement between States as to what the Objectives of Intellectual Property Laws should be?. *European Intellectual Property Review*. 33(1): 1-4.
- Sullivan, R. (2001). Ethics in the philosophy of Kant. Tehran: Tarheno, 102.
- UNAIDS. (2012). Key programmes to reduce stigma and discrimination and increase access to justice in national HIV responses. Geneva, Switzerland. Available at: http://www.unaids.org/sites/default/files/media_asset/Key_Human_Rights_Programmes_en_May2012_0.pdf. Last visited 22 June, 2014.

WIPO. (2000). What is Intellectual Property? Vol. wipo_pub_450. Available at: www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/.../450/wipo_pub_450.pdf. Last visited 22 June, 2014.

WIPO. (2011). understanding copyright and related rights. Available at: www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/.../909/wipo_pub_909.pdf. Last visited 22 June, 2014.

یادداشت شناسه مؤلفان

محمود عباسی: دانشیار، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

محمد معین اسلام: پژوهشگر، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

فروزان اکرمی: دانشجوی دکتری تخصصی پژوهش، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)
پست الکترونیک: froozan_akrami@yahoo.com

Iran's Position and Challenges in International Protection of Copyrights of Literary and Artistic Works

Mahmoud Abbasi

Mohammad Moein Eslam

Forouzan Akrami

Abstract

One of the main problems of the creators of literary, scientific, artistic and cultural works in the country is the lack of observance of the related ethical rules and laws to the protection of copyright in connection with the public rights. Regarding to recent advances and developments, meanwhile explanation of the global sphere of the copyright, present study explores the current situation of the country in protection of moral and legal rights of the creators of literary and scientific works, thereby analyzing its strengths and weaknesses, strategy to acceptance of international protection of copyright policy is determined.

In terms of context and structural factors, the country current situation in terms of political, cultural, economic and structural factors, and their position on after sanction period represents lack of preparation to accept international policy of copyright protection and its ratification. On the other hand, the factors affecting international relations in the field of research and exchange of knowledge, and its ethical and legal processes emphasis on the need to review the existing rules. To adopt international policy of the protection of literary property rights and join the global treaty, it is necessary to preparing cultural, economic, ethical and legal infrastructures, gradually.

Keywords

Intellectual Property, International Copyright Treaty, Literary and Artistic Works Moral Rights, Public Policy